

تاسیس و اداره می‌گردد. در این باره به اطلاع می‌رسانیم که این مجله در راستای اهداف عالیه نظام جمهوری اسلامی ایران و در جهت ارتقای سطح علمی و فرهنگی جامعه می‌تواند به شما عزیزان خدمت نماید. بدین منظور خواهشمند است با ما در ارتباط باشید.

صنعتگران و خوشنویسان هرات

در عصر تیموریان هرات

ولی این را خبر نداشتیم که برادر زاده بهزاد است در باب حیدر علی اگر چه یک کتاب عصر صفویان این صنعتگر را نشر کرده ام اما راجع به سوانح زنده گی او معلوماتی در دست ندارم این دو نفر خواهرزاده و برادر زاده بهزاد که پیشه کا کا و امامای خرد را آموخته اند با همی بنا کرد او هم باشند. اما صاحب عالم آرای عباسی میگوید: «مولانا مظفر علی که بقلم موشکاف چهره کنای صور اهل انصاف است نسبت خویشی با استاد بهزاد دارد و در خدمت او کسب هنر نموده به مرتبه کمال رسید و جمعی از استادان نادره کبار و چهره های کثایان بدایع نگار اورادین فن بیعدیل مسلم میدانستند مصور خوب و طراح بی بدل بود تصویرات دولت خانه همایون و امیران چهل ستون طراحی مشارالیه و اکثر نگاشته ارفام زرین فام اوست و بعد از هایلله شاه جنت مکان (طهماسب) بر صحنه هستی طرح ممالک انداخت. تا کنون در جمله کتب قلمی و مصور بجز همان خمسه نظامی که در بریتش مؤلفه لندن محفوظ است و از ممالک بیدک به آن اشاره نموده دیگر اثری از کارهای دستنی مظفر علی در دست نیست ولی بگانه اثر نامدار و شگفت انگیزی که از او باقیمانده تزئینات و میناتورهای قصر چهل ستون اصفهان است که در زمان عباس صفوی و بنا بخواش او آنرا نقش و تمام نموده است فضل الله حقیق در ضمن مقاله خود راجع به چهل ستون اصفهان که در یکی از شماره های سال دوم ایران امروز نشر شده از نو صیقل

و تمجید نقاشی های این استاد عالی مقام هرات خرد داری نکرده می نویسد:
 «چیزی که پیش از هر چیز در مشاهده کاخ باشکوه چهل ستون انسان را شیفته
 و مجذوب می سازد طرز رنگ آمیزی و قدرت نقاشی و جلاکاری است که بروی
 قدامت اوزی شکل سقف گنبد ها در ایوان بکار رفته است این کارهای
 با روح که عالی ترین نماینده عظمت و ترقی فن نقاشی و زینت کاری دوره صفویه
 است بدست مظفر علی که از خویشاوندان و شاگردان زبردست بهزاد میشود ساخته
 شده است « متأسفانه تا کنون مدرکی در باب سنه مرگ و تاریخ تولد مظفر علی
 هروی بدست نیست مگر از قرائن و حدسیات می توان فوت او را در سنوات اولیه
 سلطنت عباس اول صفوی (یعنی در حدود ۹۹۰ - ۱۰۰۰ هجری) تعیین نمود .
 مقصود (نقاش) :

از مصوران و صنعتگران معروف قرن دهم هجری است. هراتی الاصل بوده و اواخر
 سلطنت سلطان حسین بایقرا را دریافته است. صنعت نقاشی را در هنرستان
 استاد معروف هرات یعنی بهزاد آموخته است در عصر خود از نقاشان و صورتگران
 متوسط بشمار میرفت از ترجمه حال او کمتر معلوماتی در دست است تنها
 صاحب کتاب تاریخ رشیدی از او نام برده است (۱)

شوشگاه علوم انسانی میرزا کاظم تبریزی

همه میدانیم که در اواسط قرن دهم هجری که عصر عروج و نهضت کامل صنایع
 ظریفه بود طفلی در هرات بدنیا آمد که بعدها آوازه اوستادی و شهرت هنروری
 او سرا سر کیتی را فرا گرفت این طفل بهزاد هروی بود که ارو پائیان رفائیل
 شرقش می نامند و آثار قیمتمدار او امروز در موزه های اروپا و امریکا ما به
 افتخار و سر فرازی ماست. اگرچه بهزاد در حیات خود شهرت و نفوذ فوق العاده
 داشت و بعد از مرگش نیز آوازه او از خاطره ها فراموش نگشت مگر با آنهم
 اوایل زنده گانی او بکلی تاریک مانده و کسی از آن خبر ندارد طوری که
 در سنه تولد او اختلاف است و طوری که تا چندی قبل در محل مزار او گفته گو بود
 هما نظیر درباره معلم آموزگار و نیز روایاتی نقل میکردند چنانچه اکثراً

اورا شاگرد بهتر از اوستا دبیر سید احمد تبریزی میدانستند ولی این مسئله هم مانند دیگر مسایل مربوط به او رفته رفته حل گردید و معلوم شد که معلم و آموزگار حقیقی او سید روح الله یکی از نقاشان بزرگ هرات بوده که در ماخذ و مدارك به القاب مختلف سید میرك و خواجه میرك و میرك نقاش ذکر گردیده است . سنه تولد سید روح الله نقاش که هراتی الاصل و از جمله سادات آن دیار است بدست نیا مده و اوایل زنده گانی او مانند حیات طفلی بهزاد بکلی مجهول مانده است ولی معلوم است که در دربار امر او سلاطین هم عصر خود خیلی محترم و صاحب امتیاز بوده این استاد نیز در عصر درخشان سلطان حسین بایقرا میزیسته و نظر به ذوق و استعداد وصف ناپذیر بکه در استاد کمال الدین بهزاد سراغ داشته به تعلیم و تربیت او همت گماشته است چنانچه قاضی احمد قمی معاصر شاه عباس اول صفوی که تقریباً از سنه ۹۹۵- الی ۱۰۳۸ هجری در فارس حکومت داشته است در تذکره خود موسوم به خوش نویسان و نقاشان در شرح حال استاد بهزاد میگوید: وی از دار السلطنت هرات است .

استاد در زمانه حضرت بهزاد است که در داد هنر و در بیگام داد است
کم زاد بسان مانی از مادر دهر البته که بهزاد ازو بهزاد است
استاد در طفولیت از پدر و مادر هانده و استاد میرك که کما بدار پادشاه
مرحوم سلطه نجسین بوده او را برداشته تربیت نمود و در اندک زمانی ترقی فرمود
و کاشش بجائی رسید که تا صورت نقش بسته همچو او مصوری کس درین
روز کار ندیده .

نگار ذغالش بچا بک روی به است از قلم گیری ما نوی

اگر مانی از وی خبر داشتی ازو طرح اندازه بر داشتی

بود صورت مرغ او دلپذیر چو مرغ مسیحا شده روح گیر

استاد از زمان عشرت نشان پادشاه کامران سلطان حسین میرزا تا چند مدت از اوایل سلطنت و پادشاهی شاه طهما سب در عرصه روز کار بودند و آثار معجز نگار ایشان بسیار است فوئش در دار السلطنت هرات و در حوالی کوه معقاز

در حظیرة بر نقش و نگار مدفون شده است. بر حسب این نوشته قلابی احمد
و هم چنان بر طبق نگارش مولانا دوست محمد صاحب تذکره «حالات هنروران»
استاد میرک هروی که تباردار سلطان حسین میرزا بوده و در صورت نگاری و نقاشی
و تذهیب کتاری بد طولی داشته است علاوه بر خوبی نویسی نیز بود. چندی پیش
هنگامی که سلطان حسین میرزا به تبریز آمد مسجد جامع هرات بر داشت اخیر
علی شیبز نوائی و زاهد معروف و دانشمند او را تجویز کرد که کتیبه مسجد را بنام این نقاش
و اعتماد زبردست وطن محول نمود و سید و صالح الله میرک کتیبه مذکور را به رودی
تمام انجام داد. باید خاطر نشان نمود که در تعمیر مسجد جامع هرات اختلافات
زیاد موجود بوده و اکثر مورخین تعمیر آن را به سلطان غیاث الدین غوری
نسبت میدهند. خلاصه استاد میرک هروی طبق اشاره بعضی از مورخین ما نند
صاحب حبیب السیر و غیره در زمان تسلط محمدخان شیبانی در هرات فوت کرده
و در همانجا مدفون شده است حبیب السیر میگوید: خواجه میرک نقاش در علم
تصویر و تذهیب نظیر نداشت و در فن کتیب نویسی را بت بی مثلی بر افراشت
اکثر کتیبهای عجم در هرات و خراسان بوقوع پیوست.
سلطان محمد خان شیبانی بر ولایت خراسان بوقوع پیوست.
مولانا دوست محمد در حالات هنروران میگوید: وی هروی الاصل است
و از سادات گما نگر است و در اوایل حال بحفظ و تملک کلام جمید و متقی
اشتغال داشت و بعد از فوت پدر بکتابت کتبا به میل کرد و چون از حاجات
کمان گر بود آن شغل را نیز ورزید بعد از آن به خدمت مولانا برای الله
افتاده و به تحریر و تذهیب مائل گشت و از آن نیز گذشقه مهمل تصویر در خاطرش
گذشت و درین فن بی بدل و درین شیره بی مثل شد و در زمان پادشاه مرحوم
سلطان حسین امیرزا تقرب یافته از جمله منسوب کتبا تری حاصل نموده او شد.
در نگار مورخین و تذکره نگاران نیز همانند صاحب تاریخ سمرقندی و غیره
میرک و از عجایب روزگار و استادان هم زمان خود است.

سنگ و کتب

ولی (مولانا) :

از نقاشان و صورت نگران قرن نهم هجری است (۱۱۰۰) . با سلطان حسین میرزا

زمتوغا (بدروزمنه ۹۲۱ هجری قمری) همعصر بوده . از صنعتگران متوسط عصر خود

بشمار غیرافتادگی نقاشی و نگارن هیبت و صورت نگاری بنا کرد آن داشت . در

عصری که تالیفات او در این باب است . در این آثار و کتب و کتب او در

تالیفات او در این باب است . در این آثار و کتب و کتب او در

تالیفات او در این باب است . در این آثار و کتب و کتب او در

تالیفات او در این باب است . در این آثار و کتب و کتب او در

تالیفات او در این باب است . در این آثار و کتب و کتب او در

تالیفات او در این باب است . در این آثار و کتب و کتب او در

تالیفات او در این باب است . در این آثار و کتب و کتب او در

تالیفات او در این باب است . در این آثار و کتب و کتب او در

تالیفات او در این باب است . در این آثار و کتب و کتب او در

تالیفات او در این باب است . در این آثار و کتب و کتب او در

تالیفات او در این باب است . در این آثار و کتب و کتب او در

تالیفات او در این باب است . در این آثار و کتب و کتب او در

تالیفات او در این باب است . در این آثار و کتب و کتب او در

تالیفات او در این باب است . در این آثار و کتب و کتب او در

تالیفات او در این باب است . در این آثار و کتب و کتب او در

تالیفات او در این باب است . در این آثار و کتب و کتب او در

تالیفات او در این باب است . در این آثار و کتب و کتب او در

تالیفات او در این باب است . در این آثار و کتب و کتب او در

تالیفات او در این باب است . در این آثار و کتب و کتب او در